



هنر مقدس اسلامی، الگوها و شاخص‌ها در معماری

فرزاد منجم^{1*}، سارا علیپور²

1- دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه معماری، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران، Monajem.farzad@yahoo.com

2- مربی، گروه معماری، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران، alipour.sara@yahoo.com

چکیده

هنر اسلامی از حکمت الهی و معانی عمیق عرفانی تشکیل شده است، چون این هنر ریشه در تفکرات معنوی و الهی دارد. به نظر می‌رسد معماری اسلامی چهره جمال و حقیقت صورت را؛ در شکل به منصفه ظهور می‌رساند. آن تجلی یقین انسانی در عملکردهای مادی بوده و سرچشمه‌هایی در درون معمار داشته است. معماری اسلامی از بزرگترین جلوه‌های ظهور حقیقت هنر اسلامی در قالب مادی آن به شمار می‌رود و شاخصه‌های آن در معماری اسلامی قابل مشاهده می‌باشد. در این پژوهش به دنبال آن بوده ایم که شاخصه‌های هنر اسلامی در معماری شناسایی شود. و منشاء و سرچشمه‌های وحدت بخش این هنر معرفی گردد. در این راستا پس از شناخت و معرفی سرمنشاء‌ها، شاخصه‌هایی که در معماری اسلامی از آنها استفاده شده اند را به ترتیب اولویت معرفی می‌کنیم. روش تحقیق در این پژوهش مطالعه اسنادی و بررسی شاخصه‌ها و الگوهای ساخته شده معماری اسلامی در ایران مورد نظر بوده، که برای دستیابی به آن از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. در نهایت به نظر می‌رسد هنر مقدس اسلامی همچون هنرهای قدسی و دینی دیگر بیانگر حقیقت آسمان بر زمین باشد.

کلید واژه: هنر مقدس، الگوها و شاخص‌ها، معماری اسلامی، معماری قدسی.



مقدمه

هنر یکی از بارزترین جلوه‌های اسرارآمیز جهان خلقت است، که همواره بر حیات انسان‌ها سایه افکنده است و همواره انسان را برای خلق آثار مطلوب و شگفت‌آور تشویق می‌کند. معماری ریشه در ایدئولوژی تولیدی دارد که در آن ارزشهای مادی و معنوی تجلی یافته است. این ارزشها رابطه مستقیمی با میزگی فطری و نیز حقیقت طلبی هنرمند دارد، بهره‌گیری از قابلیت‌های معنایی در معماری (همان رمزوارگی) انتقال مفهوم و بیان را به دنبال دارد. بدین منظور آشنایی و پی‌بردن به بطن هنر اسلامی و شناخت سرمنشأ هنر معماری و نیز شاخصه‌ها و الگوهای این هنر مورد واکاوی قرار خواهد گرفت. چنین رویکردی مجموعه‌ای از جنبه‌های تحقیق پیرامون فضای توحیدی را در معماری اسلامی مشخص می‌کند. مسأله‌منشاء هنر اسلامی و سرشت نیروها و اصولی که این هنر را به وجود آورده است باید به جهانبینی اسلام و وحی اسلامی ربط داد. [1] هنر عبارتست از ساختن و پرداختن اشیاء مطابق با طبیعت و فطرت آنها که بالقوه زیبا است. چون از دست خداوند آمده است. هنر یعنی ماده را شرافت و اصالت بخشیدن. [2] هنر دینی، هنری است که در آن عالم دینی با صورت خیالی و جلوه‌جمالی و جلالی، متجلی می‌شود. [3] هنر اسلامی دارای گنجینه عظیمی از معانی عمیق عرفانی و حکمت الهی است زیرا این هنر ریشه در بنیانهای ژرف تفکر معنوی و الهی دارد. معماری در جهان اسلام یکی از بزرگترین جلوه‌های ظهور حقیقت هنری در کالبد مادی بشمار می‌رود. معماری در هنر اسلامی که شریفترین مقام را دارا است، هیمن روح اسرار آمیزی را نمایش می‌دهد معماران در دوره اسلامی سعی میکنند تا همه اجزاء بنا را به صورت مظاهری از آیه‌های حق تعالی ابداع کنند. [4] مرکزگرایی، امر وحدت بخش و نیز اختیار شیوه‌های تجربیدی و رمزی در هنر و معماری اسلامی از مهم‌ترین شاخصه‌هایی است که تحت تاثیر بنیان‌های توحیدی شکل یافته است.

هنر مقدس

هنر عبارتست از ساختن و پرداختن اشیاء مطابق با طبیعت و فطرت آنها که بالقوه زیبا است. چون از دست خداوند آمده است. هنر یعنی ماده را شرافت و اصالت بخشیدن است. [2] هنر نوعی از آفرینش و سازندگی است که با زیبایی توأم باشد و غایب آن زیبایی و بیان زیبایی است. زیبایی در نظام سنتی یک صفات الهی است. [5] افلاطون هنر را چنین تعریف می‌کند: هنر شریف‌ترین جزء نفس را متوجه اشرف موجودات می‌کند. [6] هنر دینی، هنری است که در آن عالم دینی با صورت خیالی و جلوه‌جمالی و جلالی، متجلی می‌شود. یعنی یک اثر هنری، مظهری از جمال و جلال الهی است در صورت خیالی و ذات همین صورت خیالی است و دین نیز با جلوه و جمال الهی معنا مییابد خواه دین وحیانی باشد یا دین فطری الهی. اما مهمترین ممیزه هنر دینی، تذکر ذاتی به امر قدسی و الوهیت است. [3] هنر اسلامی دارای گنجینه عظیمی از معانی عمیق عرفانی و حکمت الهی است؛ زیرا این هنر ریشه در بنیان‌های ژرف تفکری معنوی و الهی دارد. این هنر، گاه با خلق صورت‌های جدید و گاه با بهره‌گیری از تصاویر و فرم‌های هنری گذشته همچون ایران باستان و ایران قبل از اسلام و با نگرش و معنا بخشی مجدد به آنها به پی‌ریزی فرهنگی بس غنی و شکوفا در تمدن اسلامی پرداخت. [7]

ریشه‌ها و گرایش‌ها

مسأله‌منشاء هنر اسلامی و سرشت نیروها و اصولی که این هنر را به وجود آورده است باید به جهانبینی اسلام و وحی اسلامی ربط داد که یکی از جلوه‌های بی‌واسطه آن هنر قدسی اسلام و با واسطه هنر اسلامی در کلیت خویش است. برای یافتن هنر اسلامی باید به باطن دین اسلام که در طریقت مستتر بوده و حقیقت آن را روشن ساخته است، رجوع



کرد. این وجه درونی به نحو انفکاک ناپذیری با معنویت اسلامی نیز پیوند دارد. واژه معادل spirituality در زبان‌های اسلامی "روحانیت" یا "معنویت" است که از واژه روح و معنا مشتق می‌شود. در واقع، هنر اسلامی مبنی بر معرفتی است که خود سرشت معنوی و روحانی دارد. معرفتی که استادان سنتی هنر اسلامی آن را حکمت نام نهاده‌اند؛ حکمت یعنی معرفتی با سرشت روحانی. در این زمینه، سید حسین نصر منشأ هنر اسلامی را قرآن و حقیقت معنوی ذات نبوی دانسته و این دو عامل را منشأ اصول وحدت بخش هنر اسلامی قلمداد کرده است. [1]

معماری و هنر قدسی

معماری در جهان اسلام یکی از بزرگترین جلوه‌های ظهور حقیقت هنری در کالبد مادی بشمار می‌رود. از لحاظ تاریخی معماری اولین هنری بشمار می‌آید که توانست خود را با مفاهیم اسلامی سازگار نموده، از طرف مسلمانان مورد استقبال قرار گیرد. معماری اسلامی بعنوان یکی از موفقترین شیوه‌های معماری در تاریخ جهان قابل بازشناسی است. معماری در هنر اسلامی که شریفترین مقام را دارا است، همین روح اسرار آمیزی را نمایش می‌دهد. معماران در دوره اسلامی سعی میکنند تا همه اجزاء بنا را به صورت مظاهری از آیه‌های حق تعالی ابداع کنند. [4] معماری اسلامی می‌تواند چهره‌ی جمال و حقیقت صورت را در شکل به منصفه ظهور برساند، و یا تجلی یقین انسانی در عملکردهای مادی بوده و سرچشمه‌های در درون معمار داشته باشد. معمار فضا را به شکلی تقسیم می‌کند که نیروی فرآیند با محدود شدن در مرزهایی خاص، مرئی و ملموس میشود. همه ساختمانهای زیبا شمایی از زمانندی را در خود دارند، حتی ساختمانهای دنیوی. هنگامی که معمار به شکلی مذهبی به هدایت یک فضای خاص می‌پردازد پناهگاهی می‌سازد که به خانه هستی تبدیل میشود، در این صورت آثار هنری مذهبی مناسبترین مکان برای سکنی‌گزینی هستند. [8]

اصل وحدت بخش (وحدانیت)

آغاز هر یک خود پایانی است و هر پایانی آغازی دیگر همه جا آغاز است و همه جا پایان. سرمنشاء و خاستگاه هنر اسلامی مرتبط با جهان بینی اسلام و وحی است و ژرف ترین معنای این جهان بینی که محور و اصل بنیادین آن محسوب می‌شود «وحدانیت» است، وحدانیت است که موضوع کثرت در وحدت و وحدت در کثرت را این گونه وسیع در هنر اسلامی رقم می‌زند اینکه خداوند یکی است و هیچ چیز با او قابل قیاس نیست، همان دیدگاه تنزیهی است که در اسلام نسبت به خداوند وجود دارد و دیگر اینکه خداوند واجب الوجودی است که علت همه چیز است و باقی همه ممکنات هستند و هیچ امری خارج از سیطره خداوند وجود ندارد و در واقع همه عالم و پدیده‌ها جلوه‌ای از خود اوست. هنر اسلامی نتیجه تجلی وحدت در ساخت کثرت است. این هنر به شیوه‌ای خیره‌کننده وحدت اصل الهی، وابستگی همه چیز به خدای یگانه، فناپذیری جهان و کیفیات مثبت وجود عالم هستی یا آفرینش را نشان می‌دهد، این هنر حقایق مثالی را در قالب نظام مادی که حواس انسان بی واسطه قادر به درک آن نیست، آشکار می‌کند بنابراین نردبانی است برای سفر روح از عرصه جهان دیدنی و شنیدنی به عالم غیب. بنابراین هنر اسلامی در بسیاری از نمودهای خود بیانگر این اصل وحدانیت است. [1] برای معمار مسلمان، اینکه خداوند یکتا چگونه از مرتبه ذات احدی، در مراتب اسما و صفات در عالم بروز و ظهور کرده، رازی است که از نردبان آن به حقیقت وجود عروج می‌کند. در معماری اسلامی وحدت هرگز پیامد پیوستگی عوامل تشکیل دهنده نیست، بلکه ذاتی است و همه شکل‌های فرعی از آن حاصل می‌شود. مضمون اساسی اسلامی همان وحدتی است که همواره در همه سطوح هنر آن وجود است و کار هنرمند تنها شناختن و نمایان ساختن آن است. [9] در واقع همین معنویت توحیدی است که خلق معماری قدسی اسلامی را که یکی از اصلی‌ترین هنرهای اسلامی است، ممکن می‌سازد [10]



شاخصه‌ها و الگوهای اصلی هنر اسلامی

سیر از کثرت به وحدت

از مهم‌ترین خصیصه‌های هنر قدسی اسلامی تجلی وحدت الهی در جهان و نظم عالم است. وحدت در هماهنگی و انسجام عالم کثرت و در نظم و توازن آن انعکاس یافته است و جمال حاوی همه این جهات است. استنتاج وحدت از جمال عالم عین حکمت است. بدین جهت تفکر اسلامی ضرورتاً معتقد به پیوند میان هنر و حکمت است. [9] معماری اسلامی نتیجه تجلی وحدت در ساخت کثرت است و توازن و هماهنگی ناشی از آن، جلوه‌ای رهایی بخش دارد که انسان را از بند کثرت رها می‌سازد و به او امکان می‌دهد تا وجد و نشاط بی‌حد و حصر تقرب به خدای یگانه را تجربه کند. [1] برای هنرمند مسلمان نحوه ظهور وحدت در کثرت و رجوع کثرت به وحدت که معنای توحید است، مهم‌ترین رمز و راز است.

مرکزیت

مرکز گرایی، امر وحدت و نیز اختیار شیوه‌های تجریدی و رمزی در هنر و معماری اسلامی از مهمترین ویژگی‌هایی است که تحت تأثیر بنیان‌های توحیدی شکل یافته است. در همه‌ی ادوار تاریخی ایران و جهان در ساختار بناها و نقش مایه‌های مهرها، سفال‌ها، دیوارنگاره‌ها و... طرح و نقشی به کار رفته است که عناوین گوناگونی را در نزد فرهنگ‌های مختلف یافته است؛ ماه - خورشید - طرح عالم - جهات چهارگانه - سواستیکا - چلیپا و... این نقش‌گونه‌ای طرح پرش از هویت انسان است. انسان همواره به دنبال پیدا کردن مبدأ، معیار و محکی است تا همه‌ی جوانب زندگی خود را در نسبت بدان بسنجد. او بدون مبدأ و مرکزیت قادر به ادامه‌ی زندگی نخواهد بود. نوع پاسخ‌هایی که در ادوار مختلف به این پرسش ارائه گردیده، تبیین‌گر نظام‌های عقیدتی و فرهنگی حاکم بر آن دوره بوده است. در آراء شوان "سراسر هستی مردم روزگار کهن و سنت‌های آنها کلاً تحت تأثیر دو اندیشه حاکم؛ اندیشه‌ی مرکزیت و اندیشه‌ی سرچشمه قرار داشته است. مرکز موجب پیدایی جهت و از آنجا پدیداری وحدت در همه‌ی هستی می‌گردد. در چنین عالمی همه جنبه‌های زندگی انسان؛ صنعت، هنر، خانه، شهر، جهت وحدت یافته‌ای پیدا می‌کنند. "جهت" به مثابه امری مذهبی انسان را به سمت شرایط مقدس هدایت می‌کند و مبنای موقعیت مکان در فضا می‌گردد. بدین ترتیب مرکز جهان در تلاقی دو سطح افقی و عمودی قرار گرفته و ضمن آن که عامل جهت‌دهی امور واقع در سطح عالم است محک سنجش مراتب و نسبت امور با مراتب و سطوح عمودی آسمان است و لذا مرکز جهان می‌تواند به صورت نردبان مقدس در نقش ارتباط دهنده بهشت و زمین تجسم یابد. [11]

رمز گرایی

یکی از کارهایی اصلی هنر، تجسم بخشیدن و حسی کردن رمز گونه‌ی زیبایی‌ها و رازهای جهان است. جهان آشکار و جهان غیب و عنصر دیگر هنر، رازها، یعنی پنهان بودن موضوع آن از دیدگاه عامه مردم است. پس باید رازداری در پس پرده و دور از چشم مردم عادی باشد. رمزی که هنرمند با آن نهران راز را بر ملا بسازد و پیامی باشد که آن را بیان نماید. [12]

از نگاه بورکهارت هنر مقدس مبتنی بر دانش و شناخت صورت‌هایی است که مبتنی بر آیین رمزی و ملازم با این صورت‌ها است. هدف نهایی هنر مقدس، فراخوانی و یادآوری احساسات یا انتقال تأثرات نیست بلکه رمز است و به همین دلیل غیر از وسایل اولیه و ساده و اصلیش به چیز دیگری نیاز ندارد. از طرفی به دلیل اینکه الگوهای هنر مقدس



بازتاب واقعیت ماورای عالم صورت است، که همه ریشه و اصل آسمانی دارند، زبان از وصف آن عاجز است و به همین دلیل به زبان تمثیل بیان می‌شود. رمز یکی از راه‌ها و در عین حال بهترین وسیله ابلاغ حقایق بنیادی حکمت است. کاربرد اشکال دو بعدی مثل مربع و دایره و اشکال سه بعدی مانند مکعب و کره در معماری اسلامی تمثیل زمین به آسمان است. حرکت‌هایی که در طرح‌های اسلیمی و نقش‌های هندسی و... وجود دارد همه اشاره به رمزپردازی دارند. [۹] در نقش و نگار مشهور به عریسک، ریاضیات، نجوم و هندسه به هم پیوند می‌خورند تا با ترکیب دایره، مربع، مثلث و لوزی نظام مندی کیان را به نقش‌کشند و با نمادهایی چون شرفه و ترنج و درخت زیبایی‌های بهشت را تجسم زمینی بخشند. همچون خوشنویسی قرآن، معماری قدسی نیز آکنده از رمز و راز و اسرار است هر رنگ یا نقشه‌ای که در بنا به کار رفته می‌شود نیز معنا و پیام خاص خود را دارد. [۳۱] دایره یکی از اشکال هندسی است که برخلاف دیگر اشکال جهت ندارد و مفهوم نامتناهی بودن را به ذهن انسان متبادر می‌کند. همچنان که خداوند نیز نامتناهی است. [۲۱]

مولانا: ما سمیعیم و بصیریم و خوشیم با شما نامحرمان ما خامشیم

نماد گرایی

رمز یا نماد ابزاری است برای بیان تصور یا مفهومی که برای حواس ما غایب بوده و ناشناختنی و غیبی محسوب می‌شود. به طور کلی بر طبق نظر جلال ستاری در کتاب رمزاندیشی و هنر قدسی، رمز یا نماد بیان ادراکی و مشهود است که باید جایگزین چیزی مخفی و مکتوم شود. عجز زبان از بیان برخی مفاهیم به این سبب است که زبان انسان صورتی تحلیلی، استدلالی و عقلانی دارد و منطبق با عقل بشر است و در واقع زبان ابزاری است در خدمت عقل بشری که گاه از بیان مفاهیمی غیر عقلی و فراعقلی و شهودی عاجز می‌شود. در واقع نمادها از این منظر نقش تسهیل‌کننده و کمک‌کنندگی برای دسترسی سریع‌تر به حقایق ازلی و معنوی را بازی می‌کنند. همچنان که در آثار هنری اسلام نیز این مفاهیم در قالبی نمادین ارائه شده و انسان می‌تواند به طور ملموس با آنها ارتباط برقرار کند. در واقع نماد یا رمز وسیله انتقال و ابزاری برای صعود ذهن از مرتبه سفلی به مرتبه اولیا است و حرکتی عمودی دارد، برخلاف تمیل که دارای حرکتی افقی است. [14]

هندسه و تناسبات

هندسه ابزاری مناسب جهت نظم بخشیدن به معماری و برقراری روابط آگاهانه میان اجزای بنا با یکدیگر است، تا در عین مرکب بودن، یکپارچگی فضا را به عنوان یک ترکیب خلاق و هدفمند میسر سازد. اشراف معمار به علم هندسه و استفاده خلاقانه از آن، تبدیل مفهوم به فضا و فرم را در فرآیند طراحی تسهیل می‌کند و فرسایش مفهوم را در این روند به حداقل می‌رساند. حاصل چنین فرایندی، نوعی معماری است که به دور از برداشتهای سلیقه‌ای، به لحاظ نظم و تناسبات قابل درک است. "طراحی معماری در قالب هندسه نمود می‌یابد. معمار را در برخورد با مسئله و یافتن راه حل مناسب برای پاسخگویی به آن می‌نمایاند و قابلیت تفکر هندسی را در نظم بخشیدن به فرآیند طراحی معماری آشکار می‌سازد." در فضای قانونمند هندسه است که هر چیزی، و از آن جمله اجزاء یک خانه و حتی یک شهر، می‌توانند به دایره هستی قدم گذارند، و در فضای کثرات و گوناگونی‌ها هویت خود را پیدا کنند. عامل بنیادین ایجاد وحدت در میان اجزای جهان هستی و از جمله در اجزای پیکره هر یک از فرهنگهای معماری چیزی جز هندسه نمی‌تواند باشد. [15]

درباره هندسه و تناسبات و بهره‌گیری از آن در معماری می‌توان دو گونه رویکرد را از هم جدا کرد. یک رویکرد جنبه آزمون و تجربه دارد و با اندازه‌گیری و یافتن تناسبات در طبیعت و انسان، آنها را در کار معماری به کار می‌گیرد تا



معماری را پاسخگوی نیاز انسان و برای ارضای خاطر او بسازد و رویکرد دوم، فراتر از این تناسبات را بازتاب حقایق در ساختار پدیده‌هایی عالم و جلوه‌ایی از پدید آورنده این جهان می‌داند و خود را ملزم به رعایت آن می‌داند. این تناسبات از دید او به منزله قوانین کیهانی هستند، البته هر دو دیدگاه به تناسبات در ساختار طبیعت و وجود اشتراک میان پدیده‌های طبیعی و کالبد انسان اذعان دارند. [16] هندسه وحدت را در نظم فضایی جلوه‌گر می‌کند. [9]

نور

در مورد نور در معماری اسلامی با استناد به سوره نور «خدا نور آسمان و زمین است». آن را نشانه پرتو الوهیت تعریف می‌کند که اشیا را از تاریکی لاجرم بیرون می‌آورد و دیده شدن را کنایه از به هستی در آمدن اشیا براساس بهره‌ای عنوان می‌کند که از پرتو هستی دارند. [9] نور کاملترین نماد بیان توحید است. در هنر مقدس هیچ سنت دیگری از نور به اندازه‌ی معماری اسلامی برای بیان و تجسم توحید استفاده نشده است. طرح‌های مشبک ورودی یا سقف مسجد روزنه‌ی تابش نور خداوند و نماد گنبد هر مسجد دریچه‌ایی برای حضور نور خداوند باز می‌کند، از آنجا که خداوند نور محض و مطلق است هیچ دیده‌ایی را یارای چشم دوختن مستقیم به آن نیست با تجزیه‌ی نور مطلق به رنگ‌های مختلف، در حقیقت، ببیننده را قادر می‌سازد به غنای بی‌پایان انوار الهی اشراف پیدا می‌کند. رنگ‌ها هرچه به کانون گنبد نزدیک ترمی شود کم رنگ تر و هر چه از آن دورتر می‌روند پررنگ تر می‌گردند. بدین ترتیب معمار قدسی یک بار دیگر و به شیوه‌ی متفاوت به تجسم وحدت در کثرت و کثرت در وحدت می‌پردازد. هر آنجا که رنگ‌ها از نظر ناپدید می‌شوند، خلاء فضا را پر می‌کند و این خلاء فضایی خالی نیست، بلکه فضایی است که در آن جز خداوند هیچ نیست. [17] معماران مسلمان با منظور کردن هر نوع (نورگیر یا روشن‌دان) نور را وارد فضای داخلی و آسمانی شکل آن می‌کنند. ضمناً با ارتفاع بسیار خود، علاوه بر اینکه فضای تنفسی مناسبی برای جمعیت داخل فضا فراهم می‌کنند فضای روحانی و آسمان پر ستاره و خورشید الهی را نیز متجلی می‌سازند. [18]

جدول 1- شاخصه‌های اصلی هنر مقدس اسلامی (ماخذ: نگارنده)

نمونه‌ی موردی	پژوهشگر	توضیحات	شاخصه
مسجد شیخ لطف الله	بورکهارت، 1365	ظهور وحدت در کثرت و رجوع کثرت به وحدت که معنای توحید است، مهم ترین رمز و راز است. وحدت در هماهنگی و انسجام عالم کثرت و در نظم و توازن آن انعکاس یافته است. معماری اسلامی نتیجه تجلی وحدت در ساخت کثرت است و توازن و هماهنگی آن، انسان را از بند کثرت رها می‌سازد و به او امکان می‌دهد به وحدت برسد و تقرب به خدای یگانه را تجربه کند.	سیر از کثرت به وحدت
	نصر، 1375		
مسجد شیخ لطف الله	شوان، 1965	انسان همواره به دنبال پیدا کردن مبدأ، معیار و محکی است تا همه‌ی جوانب زندگی خود را در نسبت بدان بسنجد. او بدون مبدأ و مرکزیت قادر به ادامه‌ی زندگی نخواهد بود و به این مسأله در معماری اسلامی پاسخ داده شده است. مرکز گرایي امری وحدت بخش و در معماری اسلامی حائز اهمیت است.	مرکزیت
مسجد امام اصفهان	طالب زاده، 1382	هنر مقدس مبتنی بر دانش و شناخت صورت‌هایی است که مبتنی بر آیین رمزی و ملازم با این صورت‌ها است. رمز یکی از راه‌ها و در عین حال بهترین وسیله ابلاغ حقایق بنیادی حکمت است. مثلاً دایره که مفهوم نامتناهی بودن را به ذهن انسان متبادر می‌کند. همچنان که	رمز گرایي
	بورکهارت، 1365		
	کریچلو، 1976		



		خداوند نیز نامتناهی است.	
مسجد جامع یزد	ستاری	نماد ابزاری است برای بیان تصور یا مفهومی که برای حواس ما غایب بوده و ناشناختنی و غیبی محسوب می‌شود. نماد بیان ادراکی و مشهود است که باید جایگزین چیزی مخفی و مکتوم شود.	نماد گرایی
	گننون، 2001		
مسجد امام اصفهان	دهار، 1392	هندسه ابزاری مناسب جهت نظم بخشیدن به معماری و برقراری روابط آگاهانه میان اجزای بنا با یکدیگر است، هندسه و تناسبات، وحدت را در نظم فضایی جلوه گر می‌کند.	هندسه و تناسبات
	مهدی زاده و همکاران، 1390		
	بورکهارت، 1365		
مسجد شیخ لطف الله	بورکهارت، 1365	نور کاملترین نماد بیان توحید است. در هنر مقدس هیچ سنت دیگری از نور به اندازه‌ی معماری اسلامی برای بیان و تجسم توحید استفاده نشده است.	نور
	نصر، 1385		
	مولوی، 1375		

شاخصه‌ها و الگوهای فرعی هنر اسلامی

نقش شمسه در هنر اسلام

شمسه که در بسیاری از آثار هنری اسلامی وجود دارد، این نقش نماد همان کثرت در وحدت و وحدت در کثرت است. کثرت تجلی صفات خداوند است که در این نقش به صورت اشکال کثیر ظهور کرده است که از مرکزی واحد ساطع شده است. این نقش همانطور که از نام آن هم پیداست مفهوم نور را نیز تداعی می‌کند. همانطور که قرآن کریم خداوند را نور می‌نامد در واقع شمسه نمادی از خداوند می‌باشد. [19]

مقرنس

بورکهارت مقرنس کاری را پدیده‌ای بسیار ویژه از معماری اسلامی و وسیله‌ای برای انتقال بار گنبد یا دایره بر محوری مربع شکل می‌داند که در واقع معرف نهاد حساب شده‌ای از کهنکشان نسبت به زمین است و اظهار می‌دارد که مقرنس‌های کندووار است که گنبد را تکیه‌گاه چهار گوش آن پیوند می‌زند و انعکاسی از حرکت آسمانی در نظم زمینی و بی‌ثبات است. بی‌حرکی مکعب، نمودار کمال، ثبات و بی‌زمانی جهان است که بیشتر در معماری جایگاه‌های مقدس استفاده شده است. [9]

نقش‌ها و تزیینات

نقوش هندسی و اشکال انتزاعی درحقیقت تکرار مکرر کلمه‌ی مبارکه‌ی لا اله الا الله و ذکر خفی است. [20] نقش‌ها و به‌طور کلی تزیینات در هنر اسلامی دارای مفاهیم عرفانی خاصی هستند و هنرهای کاربردی در معماری اسلامی عمدتاً بر اساس تعالیم و الهامات دینی و معنوی پدید آمده‌اند. اختیار نقوش شکسته هندسی یا گره و یا نقوش اسلیمی و مقرنس‌ها و کاربردی‌ها همگی در فرهنگ و هنر اسلامی دارای جایگاه خاصی بوده و رمز و راز بسیاری در محتوا و مظاهر طراحی آنها نهفته است. از همین رو این نقوش در معماری اسلامی مخصوصاً در نما کاربرد گسترده‌ای پیدا کرده‌اند. هنرمندان مسلمان در این مورد قطعاً به اوصاف بهشت نیز نظری داشته‌اند و در این راستا نقوش اسلیمی را وارد کاشیکاری کرده‌اند که همواره زینت بخش معماری اسلامی بوده است. [21] در بسیاری از بناهای اسلامی از تزیینات پر استعمال، نقوش هندسی موسوم به گره چینی است که به اشکال ستارگان و خورشید بیشتر توجه داشته و علاوه بر جنبه نورانیت و زیبایی آنها از زینت ستارگان به عنوان یکی از نشانه‌های آشکار خداوند یاد شده است «انا زینا



السماء الدنيا بزینته الكواكب». در قرآن کریم کلمه شمسکه آیات خداوند است 33 بار تکرار شده است. در نقش‌های گره چه بر کاشیکاری، چه منبت کاری و چه مقرنس و کاربندی همه نقوش سرانجام به شمسه منتهی می‌شود و گویا «الله نور السموات والارض» در ترسیم این نقوش که در عین کثرت، از اجزا واحدی تشکیل یافته‌اند، همواره مورد توجه بود است. نکته مسلم این که همه طرح‌ها به یک سو گرایش و حرکت داشته و توحید را نمایان می‌کنند. [22]

رنگ

از عناصر مهم دیگر که در بسیاری از تمدن‌ها معنای نمادین و رمزی دارند عنصر رنگ است. رنگ در هنر اسلامی عنصری بسیار مهم و تاثیرگذار محسوب می‌شود. رنگ روایتگر عالمی فراسوی عالم پدیدار است. [19] کدام رنگ به قدرت رنگ سیاه، که در کنار آن همه‌ی رنگ‌ها ناپدید می‌شوند، مظهر حجاب وجود پر راز و رمز الهی است، حجابی که خداوند را از نظرها غایب می‌سازد؟ آیا هیچ نماد دیگری، همچون رنگ سفید که منشا همه‌ی رنگ‌ها و مظهر همه‌ی نورهاست، می‌تواند نماد تجلی قدرت الهی باشد؟ چه رنگی بهتر از رنگ طلا نماد وجود ذبیحود الهی می‌تواند باشد؟ کدام رنگ به رسایی رنگ آبی آسمان بی‌کران نماد رحمت بی‌پایان خداوند است و کدامین رنگ به قدرت رنگ سبز قادر است نماد تجلی آن رحمت بی‌پایان بر زمینیان باشد؟ [20]

عنصر خلاء(فضای تهی)

یکی از عناصر مهم در هنر اسلامی حضور عنصری مقدس به نام فضای خالی یا تهی است. این عنصر به دلیل عدم توانایی در ایجاد عناصر تزئینی نیست بلکه معنایی عمیق‌تر در خود را نهفته دارد. در واقع معنای آن کاملاً ریشه در بنیاین‌های متافیزیکی و تصور مسلمانان از خدای واحد به عنوان تنها حقیقت مطلق دارد. فضای خالی در معماری تأکیدی بر این اصل یعنی تفکر توحیدی مسلمانان است. در واقع جنبه خلاء هستی و نیستی در کل عالم هستی به نحوی مستتر وجود دارد و حقیقت فقط از آن خداوند است و باید تمام توهمات پیرامون و ممکنات را کنار زد تا خداوند به مثابه حقیقت مطلق تجلی کند بنابراین تهی بودن با این مفهوم که در زیر آن نهفته است عنصری مقدس محسوب می‌شود. [23]

آینه‌ها

یکی از عناصر مهم دیگری که در معماری بناهای اسلامی به وفور مشاهده می‌شود عنصر آینه و آینه کاری است. در واقع آینه‌ها معنایی را با خود حمل می‌کنند. و آن به این معناست که ذات مطلق و نهان خداوند به هیچ روی قابل شناسایی نبوده و همه جلوه‌های خلقت و پدیده‌ها در عین اینکه تجلی او هستند ولی خداوند از تمثیل به هر چیزی مبرا است و ما هیچگاه به نحو قطعی قادر به شناسایی حقیقت مطلق خداوند نیستیم. در واقع آینه‌ها جلوه دیداری پدید می‌آورند که امر واقع و امر موهوم را در هم می‌آمیزد در اینجا مظاهر اشیاء چنانند که گویی از میان پرده یا حجابی دیده می‌شوند و اشباه چندگانه حقیقت واحد، مرزهای جهان واقعی را بهم می‌ریزد. [24]



جدول 2- شاخصه‌های فرعی هنر مقدس اسلامی (ماخذ: نگارنده)

نمونه‌ی موردی	پژوهشگر	توضیحات	شاخصه
مسجد جامع یزد	بلخاری قه‌بی، 1384	شمسه که در بسیاری از آثار هنری اسلامی وجود دارد. این نقش نماد همان کثرت در وحدت و وحدت در کثرت است.	نقش ششمه در هنر اسلام
مسجد امام اصفهان	بورکهارت، 1365	مقرنس کاری را پدیده‌ای بسیار ویژه از معماری اسلامی و وسیله‌ای برای انتقال بار گنبد یا دایره بر محوری مربع شکل است که در واقع معرف نهاد حساب شده‌ای از کلهکشان نسبت به زمین است	مقرنس
مسجد امام اصفهان	مارتین، 2006 صالح لمعی	نقوش هندسی و اشکال انتزاعی درحقیقت تکرار مکرر کلمه‌ی مبارکه‌ی لاله‌الا الله و ذکر خفی است. نقش‌ها و به‌طور کلی تزیینات در هنر اسلامی دارای مفاهیم عرفانی خاصی هستند و هنرهای کاربردی در معماری اسلامی عمدتاً بر اساس تعالیم و الهامات دینی و معنوی پدید آمده‌اند.	نقش‌ها و تزیینات
	فرشته نژاد، 1356		
مسجد شیخ لطف الله	بلخاری قه‌بی، 1384	رنگ در هنر اسلامی عنصری بسیار مهم و تاثیرگذار محسوب می‌شود. رنگ روایتگر عالمی فراسوی عالم پدیدار است.	رنگ
	مارتین، 2006		
مسجد امام اصفهان	بورکهارت، 1381	یکی از عناصر مهم در هنر اسلامی حضور عنصری مقدس به نام فضای خالی یا تهی است. فضای خالی در معماری تأکیدی بر این اصل یعنی تفکر توحیدی مسلمانان است. بنابراین تهی بودن با مفهوم اینکه حقیقت فقط از آن خداوند است و باید تمام توهّمات پیرامون را کنار زد تا خداوند به مثابه حقیقت مطلق تجلی کند، عنصری مقدس محسوب می‌شود.	عنصر خلاء(فضای تهی)
حرم مطهر امام رضا	خزایی، 1382	آینه‌ها معنایی را با خود حمل می‌کنند و آن به این معناست که ذات مطلق و نهان خداوند به هیچ روی قابل شناسایی نبوده و همه جلوه‌های خلقت و پدیده‌ها در عین اینکه تجلی او هستند ولی خداوند از تمثیل به هر چیزی مبرا است.	آینه کاری

نتیجه‌گیری

خوشبختی آن است که بدانیم کارهایی که انجام می‌دهیم یک معنا و مفهوم جاودانی دارد و هنر قدسی از این دست کارهاست که حس لذت بخش خوشبختی را به هنرمند خود می‌دهد. هنر اسلامی هدف و وظیفه خود را در مقام حامی و پشتیبان وحی قرآنی برای دستیابی به غایتی که اسلام به واسطه آن الهام شده است تحقق می‌بخشد.

وحدت و نظم هنر اسلامی یادآور قوانینی است که بر جواهر و بلورها حکم فرماست. هنر اسلامی بدون این دو سرچشمه و منشأ «قرآن و برکت نبوی»، به عرصه وجود پا نمی‌نهد. در این جاست که معمار مسلمان گویی با نگاه خود خالق این هنر است و گویی اثر هنری با تمام «خالی بودن و سادگی» او را می‌دارد که به لحظه شوق ماورای صورت، کلمات و آواها دست یابد. این جاست که هنر اسلامی حتی از عبادت تأثیرگذارتر می‌شود. زیرا با بهره‌گیری از نیاز زیبایی شناسی انسان او را به سرچشمه و مبداء همه زیبایی‌ها می‌رساند. با شناسایی شاخصه‌های معماری اسلامی می‌توان



آن هنر را هنری هدفمند، کارآمد و معنا دار در راستای هدفی متعالی و رموز ذات خداوند که تجلی آن در جهان مادی است قرار داد.

بی‌گمان وظیفه‌ی یک معمار و یک هنرمند شناساندن حقایق و معنای باطنی معماری اسلامی و ایرانی است. امیدست معماران امروزی با توجه به منابع دوگانه‌ی معنویت اسلامی، قرآن و حقیقت روح پیامبر و شاخصه‌های معماری در جستجوی خلق آثار معماری باشند که حقایق درونی هنر اسلامی را به نمایش بگذارد. هنری اصیل که راهنمای انسان به اصل خویش و متذکر او به وادی کمالات و جمل مطلق است.

مراجع

- [1] نصر، ح. هنر و معنویت اسلامی، مترجم: رحیم قاسمیان، چاپ دوم، تهران، مؤسسه انتشاراتی حکمت، 1392.
- [2] کربن، ه. شووان، ف. بورکهارت، ت. کوماراسوامی، آ. سوزوکی، د. ت. مبان‌ی هنر معنوی (مجموعه مقالات 1)، علی تاجدینی، چاپ دوم، تهران، دفتر مطالعات دینی، 1376.
- [3] مددپور، م. حقیقت و هنر دینی، چاپ دوم، تهران، انتشارات سوره مهر (وابسته به حوزه هنری)، 1387.
- [4] مددپور، م. حکمت معنوی، ساحت هنر، چاپ دوم، تهران، مؤسسه فرهنگی منادی تربیت، 1386.
- [5] اعوانی، غ. حکمت و هنر معنوی، مجموعه مقالات، تهران، گروس، 1375.
- [6] افلاطون، ج. ترجمه فواد روحانی. تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، 1379.
- [7] شهبازی، م. میرزایی، ق. محمدی کیا، م. نقش عناصر طبیعت و نمادپردازی در عرفان و هنر اسلامی، 1391.
- [8] مارتین، ا. هنر و تجربه‌ی دینی، زبان امر قدسی، مترجم: مجید داودی، چاپ اول، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، 1389.
- [9] بورکهارت، ت. هنر مقدس، ترجمه: جلال ستاری. تهران: سروش، 1381.
- [10] یثربی، چ. کتابخانه دیجیتال هنرهای اسلامی، ماهنامه بیناب، شماره 7، 1390.
- [11] Schuon, F. Light on the Ancient worlds, London , perennial. 1965.
- [12] طالب زاده، ح. آشنایی با فلسفه اسلامی، چاپ نهم، تهران، ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، 1382.
- [13] Critchlow, K. Islamic Patterns, London, 1976.
- [14] Guenon, R. "Symbols Of Sacred Science". Sophia Perenis Hillsdele Ny, 2001.
- [15] دهار، ع. علی پور، ر. تحلیل هندسی معماری مسجد شیخ لطف الله اصفهان جهت تعیین ارتباط هندسی نمازخانه با جلوخان ورودی بنا، فصلنامه باغ نظر، تحلیل هندسی معماری مسجد شیخ لطف الله اصفهان، 1392.
- [16] مهدی زاده، ف. سراج، ف. تهرانی ولی بیگ، ن. بکارگیری مثلث‌های هنجار در محاسبات ریاضی و پیاده سازی هندسه در ساخت و اجرای معماری سنتی ایران، نشریه‌ی مرمت، آثار و بافت‌های تاریخی، فرهنگی، 1390.
- [17] نصر، ح. مفهوم خلاء در هنر اسلامی، 1385.



- [18] مولوی، ب. مجله صفه، نشریه دانشکده معماری دانشگاه شهید بهشتی، هنر اسلامی، سال اول، شماره دوم، تابستان 1375.
- [19] بلخاری قهی، ح. مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی. تهران: نشر سوره مهر، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، 1384.
- [20] Martin, L. Splendours of Quran Calligraphy and Illumination, Louisville, Kentucky: fons vitae, 2006.
- [21] صالح لمعی، م. نشریه دانشکده معماری دانشگاه شهید بهشتی.
- [22] فرشته نژاد، م. گره سازی و گره چینی در هنر معماری ایران، انتشارات انجمن آثار ملی، 1356.
- [23] بورکهارت، ت. هنر اسلامی. ترجمه مسعود رجب نیا. تهران، انتشارات سروش، 1365.
- [24] خزایی، م. به اهتمام. مجموعه مقالات اولین همایش هنر اسلامی. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1382.